

## سیاست تجاری، رشد و توزیع درآمد\*

نوشته: سباستین ادواردز

ترجمه: شاپور محمدی\*\*

### چکیده

در این مقاله، رابطه بین سیاست تجاری و توزیع درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا به مشکلات داده‌ها و اندازه‌گیری پرداخته می‌شود و سپس دو سؤال مطرح می‌گردد: آیا شواهدی دال بر توزیع نابرابرتر درآمدها در اقتصادهای در حال توسعه بازتر نسبت به اقتصادهای حمایت‌گراتر وجود دارد؟ و آیا شواهدی مبنی بر افزایش نابرابری در کشورهایی که تجارت بین‌الملل را آزادتر کرده‌اند، می‌توان یافت؟ این سئوالات به مباحث سیاست توسعه مرتبط هستند. برای مثال، منتقدین بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ادعا می‌کنند که این نهادها و توصیه‌های سیاستی‌شان، (به انضمام آزادسازی تجاری) موجب افزایش نابرابری در کشورهای در حال توسعه شده‌اند.

## مقدمه

بیش از یک قرن است که عالمان، مفسرین اجتماعی و نویسندگان، شایستگی تجارت آزاد را مورد بحث قرار داده‌اند. این بحث در حالی ادامه می‌یابد که جهان موج بی‌سابقه آزادسازی را تجربه می‌کند. این جدال به طور سنتی پیرامون دو محور طرح می‌گردد.

۱. آیا تجارت آزادتر به رشد اقتصادی سریعتر منجر خواهد شد؟

۲. تجارت آزادتر چه تأثیری بر شرایط اجتماعی از جمله توزیع درآمد دارد؟

دو مسأله نظری اساسی، بحث فوق را تحت تأثیر قرار داده‌اند: اول، مشکل تعیین چگونگی ارتباط سیاست تجاری و رشد تعادلی (این مشکل تا همین اواخر حل نشده باقی مانده بود) و دوم، این واقعیت که آثار توزیعی، حساسیت زیادی به فروض مربوط به تحرک عوامل، مخروطه‌های تنوع<sup>۱</sup> و اختلالات بازار عوامل دارد. همچنین، موضوع سیاست تجاری و عملکرد اقتصادی به طور جدی تحت تأثیر محدودیت‌های اطلاعاتی قرار گرفته است. به ویژه، به دست آوردن داده‌های مقایسه‌ای رضایت بخش برای تعیین جهت‌گیری تجاری، رشد بهره‌وری عوامل (TFP) و شرایط اجتماعی (فقر و توزیع درآمد) برای یک گروه بزرگ از کشورها مشکل است.

## ۱. مشکلات اندازه‌گیری

مسائل مربوط به اندازه‌گیری تا حد زیادی سبب عقب ماندگی ادبیات تجربی تجارت و عملکرد اقتصادی شده است. استفاده همزمان از تعرفه‌ها و محدودیت‌های مقداری (QR'S)، تهیه شاخصهای خلاصه و رضایت بخش از سیاستهای تجاری برای دوره‌های مختلف را مشکل ساخته است. برخی از اولین مطالعات تطبیقی بین کشوری بر شاخصهای سهل‌الوصول شامل نسبت‌های وابستگی تجاری و نرخ رشد صادرات به عنوان نماگرهای سیاست تجاری تکیه کرده‌اند (بلابالاسا ۱۹۸۲). محدودیت اصلی این سنجها عدم ارتباط مستقیم آنها به سیاست‌هاست: یک کشور می‌تواند انحراف شدید در تجارت به وجود آورد بدون اینکه نسبت وابستگی تجاری‌اش کاهش یابد. مطالعات زیادی آنچه را که نویسنده معیار نظری برای

طبقه‌بندی جهت‌گیری تجاری می‌نامد، بکار گرفته‌اند. شاخص بنیاد هریتیج<sup>۲</sup> برای سیاست تجاری که کشورها را بر مبنای انحرافات مشاهده شده به پنج گروه طبقه‌بندی می‌کند، شاید بهترین مثال برای این روش باشد.<sup>۳</sup>

مطالعات دیگر، بر برخی اطلاعات پراکنده برای ساختن شاخصهای شبه نظری جهت‌گیری تجاری، تکیه کرده‌اند. آن کروگر (۱۹۷۸)، از متغیرهای موهومی برای طبقه‌بندی رژیمهای تجاری استفاده کرده است، مایکل مایکلی و دیگران<sup>۴</sup> یک شاخص نظری برای آزادسازی تجاری در رگسیونهای بین کشوری‌شان ساختند. «گزارش توسعه جهانی»<sup>۵</sup> یک شاخص برون‌گرایی برای ۴۱ کشور در دو نقطه زمانی ساخت. معرفی کره به عنوان کشور «قویاً برون‌گرا» در دوره‌های ۱۹۷۳-۱۹۶۳ و ۱۹۸۵-۱۹۷۳، به رغم محدودتر شدن رژیم تجاری کره نسبت به سالهای اولیه، انتقادات شدیدی را موجب شد (ادواردز ۱۹۹۳). جفری ساچس و آندرو وارنر<sup>۶</sup> از یک سری معیارهای مرتبط با تجارت برای ساختن یک شاخص مرکب باز بودن استفاده کردند. اگر چه در این شاخص، نسبت به شاخصهای قبل بهبودی حاصل شده بود، هنوز یک طبقه‌بندی دوتایی<sup>۷</sup> ارایه می‌گردید: یک کشور باز یا بسته است. همچنین بیشتر داده‌های مورد استفاده این شاخص فقط در یک نقطه زمانی قابل حصول هستند.

در نتیجه تلاش برای اجتناب از نظری بودن شاخصها، محققین مقادیر مشاهده شده متغیرهای مربوط به محدودیتهای تجاری را به عنوان شاخصهای جهت‌گیری تجاری مورد استفاده قرار دادند. متداولترین متغیرها عبارتند از متوسط تعرفه‌ها، متوسط پوشش محدودیت‌های مقداری (QR)، صرف ریسک بازار سیاه و نسبت تعرفه‌های وصولی (CTR'S)<sup>۸</sup> می‌باشد. این شاخص، قرار گرفتن کشورها در موقعیتهای میانی را (که کشورها نه به

2. Heritag Foundation
3. Bryan Johnson and Tomas sheehy, (1996)
4. Michael Michaely etal,(1991)
5. World Bank, (1987)
6. Jeffery Saches and Andrew Warner
7. Binary

۸. این نسبت به صورت نسبت درآمدهای تعرفه‌ای به واردات تعریف می‌شود.

طور کلی بسته و نه باز هستند) ممکن می‌سازد. با وجود این، محدودیت این روش عبارت از عدم ارتباط تبیین متغیرهای آن است که موجب آرایه تصویر گمراه کننده از سیاست تجاری می‌شود. لانت پرشیت<sup>۹</sup> دریافت که بعضی از این جانشین‌ها<sup>۱۰</sup> به طور ضعیف همبسته هستند و پرشیت و گیتاستی<sup>۱۱</sup> نتیجه گرفتند که نرخهای تعرفه‌ای جمع آوری شده، نماگر نادرستی از حمایت واقعی است. جیمز اندرسن و پیتر نیری<sup>۱۲</sup> معادل رفاه<sup>۱۳</sup> را برای تعریف شاخص جهت‌گیری تجاری استفاده کردند. اندرسن<sup>۱۴</sup> این شاخص را برای یک گروه ۲۳ کشوری محاسبه کرد و نتیجه گرفت که متوسط وزنی تعرفه، درجه واقعی محدودیتهای تجاری را کمتر برآورد می‌کند.

برخی از مؤلفین، روش رگرسیونی را برای ساختن شاخصهای تجاری استفاده کرده‌اند. برای مثال، اردوارد لیر<sup>۱۵</sup> یک مدل هکشر-اوهلین تجربی را با ۹ عامل برای تخمین جریان خالص تجارت و نسبت‌های شدت تجاری<sup>۱۶</sup> برای ۱۸۳ کالا در سطح کد SITC سه رقمی در ۵۳ کشور بکار برد. او انحرافات شدت تجاری واقعی از مقدار پیش‌بینی شده را به عنوان شاخص محدودیتهای تجاری تفسیر کرد. هالگرولف<sup>۱۷</sup> روش لیر را با استفاده از مجموعه بزرگتری از عوامل، مجموعه تفکیک شده تر کالاهای سه سال پایه متفاوت (۱۹۷۵ و ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵) توسعه داد.

مشکلات اندازه‌گیری مطروحه، نشانگر دو مطلب است: اول، کوششهای بیشتری برای اصلاح شاخصهای موجود مورد نیاز است، و دوم، تحلیل تجربی باید بر بیش از یک معیار بازبودن تاکید داشته باشد. مشکلات داده‌ای و اندازه‌گیری، محدود به جهت‌گیری تجاری نیستند

9. Lant Pritchett, (1991)
10. Proxies
11. Geeta Sethi, (1991)
12. James Anderson and peter Neary, (1994)
13. Welfar Equivalance
14. Anderson, (1994)
15. Edward Leamer, (1988)
16. Trade - Intensity
17. Holger Wolf, (1993)

بلکه داده‌های رشد بهره‌وری، دستمزدها و توزیع درآمد را نیز تحت تاثیر قرار داده‌اند. برای مثال آلبرت فیشلو<sup>۱۸</sup> گزارش می‌کند که مقایسه نابرابری درآمد به ویژه به وسیله ضریب جینی در طی زمان، بی‌نهایت مشکل است. به همین دلیل، بیشتر مطالعات تطبیقی توزیع درآمدها بر تحلیل بین‌کشوری در یک نقطه از زمان تاکید کرده‌اند. با این وجود، بانک جهانی اخیراً یک مجموعه وسیع از داده‌ها را برای تغییر توزیع درآمدها طی زمان برای یک گروه ۷۷ کشوری<sup>۱۹</sup> ترکیب کرده است.

این مجموعه، داده‌های اطلاعاتی در مورد (ضرایب) جینی و چندکهای درآمدی و کیفیت داده‌ها ارایه می‌کند، و احتمالاً می‌تواند برای تحلیل‌های تجربی آتی مفید باشد.

## ۲. سیاست تجاری، رشد و توزیع درآمد: تحلیل مقدماتی

به رغم آنکه ارتباط بین تجارت و توزیع درآمد، گرایش به حسب مورد بودن دارد، مطالعات تطبیقی بین‌المللی هنوز می‌تواند در به دست دادن بعضی مفاهیم قانونمندیهای بین‌الملل مفید باشد. در این قسمت، نتایج حاصل از تحلیل مقدماتی رابطه بین سیاست تجاری و توزیع درآمد در بررسی مقطعی کشورها آورده شده است. سؤال قابل طرح عبات از آن است که آیا شواهدی دال بر نابرابری بیشتر توزیع درآمد در اقتصادهای بازتر نسبت به اقتصادهای حمایت‌گراتر وجود دارد؟ مجموعه جدید داده‌های بانک جهانی در زمینه توزیع درآمد به همراه ۶ شاخص مختلف برای جهت‌گیری تجاری استفاده شده است که چهار شاخص از میان آنها برای دو نقطه زمانی (تقریباً) دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ گزارش شده‌اند. شاخصهای جهت‌گیری تجاری عبارتند از: متوسط پوشش (QR)، شاخص برون‌گرایی<sup>۲۰</sup> بانک جهانی، متوسط نرخ تعرف و وصولی (PRO)؛ شاخص برون‌گرایی و لطف برای واردات<sup>۲۱</sup>؛ و متوسط صرف ریسک‌های بازار سیاه<sup>۲۲</sup>. در تمامی

18. Albert Fishlow, (1996)

19. Klaus Deininger and Lyn Squire, (1996)

20. Out

21. Close

22. Black Market Premia

موارد، ارزش بالای شاخص، بیانگر حمایت بالاست. دو متغیری که تغییر در نابرابری درآمد بین دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ را اندازه گیری می کنند، مورد استفاده قرار گرفته اند:

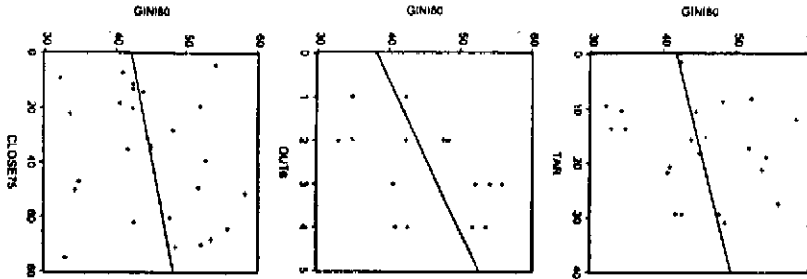
۱. تغییر در متوسط ضریب جینی در هر یک از دو دهه  $(\Delta GINI = Gini_{80s} - Gini_{70s})$  که مثبت نبودن این شاخص حاکی از افزایش نابرابری است. ۲. تغییر دهه به دهه متوسط درآمد اکتسابی ۲۰ درصد جمعیت فقیر ( $\Delta POOR$ ) که عدد مثبت برای این شاخص بیانگر یک کاهش در نابرابری است). مجموعه داده ها شامل داده های ۴۴ کشور است که ۲۷ کشور از این مجموعه، در حال توسعه هستند (ادواردز ۱۹۹۷).

در نمودارهای (۱) و (۲) داده ها برای کشورهای کمتر توسعه یافته ( $LDCs$ ) بر مبنای رابطه بین مقدار اولیه (تقریباً دهه ۱۹۷۰) شش شاخص سیاست تجاری و ضریب جینی در دهه ۱۹۸۰ ارایه گردیده است. همانطور که ملاحظه می شود، در هیچ موردی رابطه منفی نشان داده نشده است. برعکس، این نمودارها نشان می دهند که کشورهایی با رژیم های تجاری منحرف تر، توزیع درآمد نابرابرتر دارند. با وجود این نمی توان ادعای وجود هیچگونه علیت را داشت. این نتایج برای شاخصهای نابرابری و تجارت استفاده شده، کاملاً معتبر هستند.

جدول (۱) آزاد سازی تجاری و تغییرات توزیع درآمد را نشان می دهد. به کشوری اصلاح گرا (تجاری) گفته می شود که براساس یکی از معیارهای جهت گیری تجاری درجه محدودیت را کاهش داده باشد. به دلیل اینکه داده های مربوط به چهار شاخص و ( $Close, Pro, Bl, Out$ ) در دو نقطه زمانی دستیافتنی هستند، چهار معیار متفاوت برای طبقه بندی کشورها به اصلاح گرا و غیر اصلاح گرا (حمایت گرا)، بکار برده شده است.

در جدول (۱) توزیعهای  $\Delta GINI$ ،  $\Delta POOR$  و آزمون چپی دو ( $\chi^2$ ) برای بررسی برابری توزیع ها، برای هر دو گروه آورده شده است. همانطور که ملاحظه می شود، اکثریت کشورها، هر دو گروه اصلاح گرا و حمایت گرا، کاهش در نابرابری درآمد را طی این دوره تجربه کرده اند. به علاوه، به نظر می رسد تفاوت عمده ای بین کشورهای اصلاح گرا و حمایت گرا به لحاظ توزیع  $\Delta GINI$  و  $\Delta POOR$  نباشد. در حقیقت، آزمون ( $\chi^2$ ) برای برابری توزیعها ثابت می کند که هیچ تفاوت آماری بین تغییرات در نابرابری میان کشورهای اصلاح گرا و حمایت گرا وجود ندارد.

## نمودار ۱. ضریب جینی ۱۹۸۰ در مقابل شاخصهای مختلف سیاست تجاری



نمودار بالای صفحه متوسط نرخ تعرفه‌ها، نمودار میانی پروتگرایبی؛ نمودار میانی پروتگرایبی ۱۹۶۰-۱۹۷۰؛ نمودار پایین، شاخص پروتگرایبی واردات و لطف را نشان می‌دهد.

جهت بررسی بیشتر موضوع، سری رگرسیونهای بین کشوری تخمین زده شده است که علاوه بر شاخصهای تجاری، دیگر متغیرهای توضیحی را نیز شامل می‌شود. اولین رگرسور اضافی تغییر در پوشش تحصیلات دبیرستانی ( $\Delta$ Secondary) بین دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ است. گروه دوم از رگورسورها، شرایط کلان اقتصادی را پوشش می‌دهند: تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۰ (GDPC80)، رشد متوسط و تورم. به سبب کمی تعداد مشاهدات، رگرسیون با استفاده از نمونه کامل تخمین زده شده است، با وجود این، متغیرهای موهومی کنش متقابل<sup>۲۳</sup> با نماد (D) برای کشورهای توسعه یافته، آورده شده است. برای اختصار فقط نتایج شاخص BL انحرافات تجاری گزارش شده است. برای سایر شاخصها، نتایج مشابه هستند (ر.ک. ادواردز ۱۹۹۷).

$$\Delta \text{GINI} = 1/31 - 0/058 (\Delta \text{Secondary}) + 0/411 (\text{Growth}) + 0/026 (\text{Inflation})$$

$$(-0/83) \quad (-1/82) \quad (1/41) \quad (2/26)$$

$$+ 0/08 (\text{GNPC } 80) + 0/046 (\text{BL } 70s) - 0/68 (\text{BL } 70 \times D) - 2/47 (\text{REFORM})$$

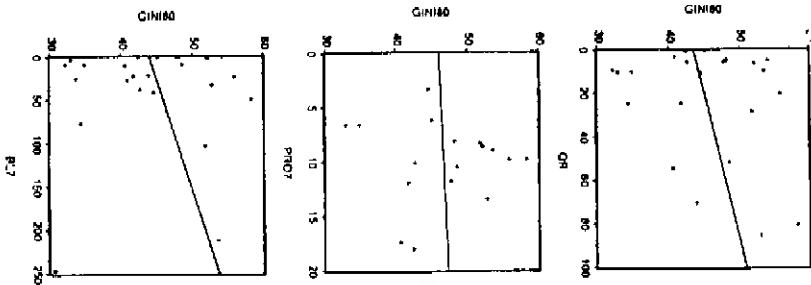
$$(-1/32) \quad (-1/20) \quad (-1/32) \quad (-1/20)$$

$$+ (1/09) (\text{REFORM} \times D)$$

$$N = 43, R^2 = 0/28$$

اعداد داخل پرانتز توابع نمونه‌ای (آماره)  $t$  هستند.

نمودار ۲- ضریب جینی ۱۹۸۰ در مقابل شاخصهای مختلف سیاست تجاری:



نمودار فوقانی پوشش QR، نمودار میانی متوسط نسبت تعرفه جمع آوری شده؛ و نمودار تحتانی متوسط صرف ریسک بازار سیاه است.

جدول ۱- اصلاحات آزادسازی تجاری و تغییرات توزیع درآمد در کشورهای کمتر توسعه یافته (LDC'S)

متغیر	چارک اول	میانه	چارک سوم	$\chi^2$
A. $\Delta$ GINI				
CLOSE				
اصلاح گرایان	-۴/۸	-۱/۲	۴/۸	۱/۰
حمایت گرایان	-۷/۸	-۱/۸	۰/۶	-
PRO				
اصلاح گرایان	-۷/۹	-۲/۰	۱/۳	۱/۸
حمایت گرایان	-۹/۳	-۳/۴	-۱/۵	-
BL				
اصلاح گرایان	-۷/۷	-۲/۰	-۰/۵	۱/۲
حمایت گرایان	-۵/۳	-۱/۰	۳/۸	-
B. $\Delta$ POOR				
CLOSE				



اصلاح گرایان	-۰/۵۵	۰/۲۳	۰/۷۵	۱/۱
حمایت گرایان	-۰/۰۷	۰/۳۸	۰/۹۹	-
PRO				
اصلاح گرایان	۰/۱۷	۰/۰۴	۱/۸۰	۰/۷
حمایت گرایان	۰/۵۵	۰/۲۹	۰/۷۲	-
BL				
اصلاح گرایان	-۰/۵۵	۰/۰۴	۱/۸۰	۱/۳
حمایت گرایان	-۰/۱۴	۰/۲۹	۰/۷۲	-
OUT				
اصلاح گرایان	-۰/۵۴	۰/۱۶	۰/۸۶	۰/۸
حمایت گرایان	-۰/۳۹	۰/۴۳	۰/۷۱	-

توجه:  $\Delta GINI$  تغییر دهه به دهه (دهه ۱۹۷۰ در مقایسه با دهه ۱۹۸۰) متوسط ضریب جینی است.  $\Delta POOR$  تغییر دهه به دهه متوسط سهم درآمدی ۲۰ درصد جمعیت فقیر است. چهار شاخص ذیل برای طبقه بندی کشورها به عنوان اصلاح گرا و حمایت گرا استفاده شده اند: شاخص برون گرایی واردات و لطف (CLOSE)، نسبت متوسط تعرفه دریافتی، متوسط صرف ریسک بازار سیاه (BL) و شاخص برون گرایی بانک جهانی (OUT). آماره  $\frac{2}{3}$  برای آزمون برابری توزیع بین اصلاح گرایان و حمایت گرایان است. در تمامی موارد، رد فرضیه برابری توزیع ها ممکن نیست. به عبارت دیگر، توزیع درآمد در بین کشورهای اصلاح گرا و حمایت گرا یکسان است.

ضریب انحراف اولیه تجاری (BL70) مثبت است در حالیکه ضریب درجه رفم (اصلاح) منفی و بی معنی است. این نتیجه بیانگر آن است که با فرض ثبات سایر شرایط، کشورهایی که در ابتدا بخش خارجی منحرف تری داشته اند، یک افزایش در نابرابری را تجربه کرده اند، ولی به نظر نمی رسد که اصلاح تجاری تأثیر معنی داری بر تغییر توزیع درآمد داشته باشد. همچنین، تخمین نشان می دهد که سیاست تجاری آثار متفاوتی بر کشورهای در حال توسعه و ملل پیشرفته داشته است. البته، این نتیجه با فرض تفاوت در مواهب اولیه عوامل بین این دو گروه از کشورها قابل توجیه است. همچنین، رگرسیون نشان می دهد که با فرض ثبات سایر شرایط، کشورهایی که نظام آموزشی خود را اصلاح کرده اند، طی دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ کاهش در نابرابری را

تجربه کرده‌اند. تورم موجب افزایش نابرابری شده است و تعجب‌آمیز آن که کشورهای که سرریعتر رشد کرده‌اند، تمایل به تجربه یک افزایش در نابرابری داشته‌اند، معه‌ذا ضریب مورد اخیر، معنی دار نیست.

### جمع‌بندی و ملاحظات

تحلیل رابطه میان سیاست تجاری و توزیع درآمد با استفاده از مجموعه داده‌های مقایسه‌ای جدید، نشان می‌دهد که برای کشورهای در حال توسعه، شواهدی قوی بر ارتباط بین باز بودن سیاست تجاری و افزایش در نابرابری، وجود دارد. این نتایج با بکارگیری سنج‌های مختلف، سیاست تجاری و توزیع درآمد اعتبار خود را همچنان حفظ می‌کنند. با این وجود، نتایج، تابع مشکل خطای اندازه‌گیری و نواقص تحلیل بین‌کشوری است و لذا نباید آنها به عنوان جایگزین‌هایی برای مطالعات تاریخی دقیق و مفصل تجارب اصلاح تجاری یک کشور معین، تلقی شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

1. Anderson, James E. *Trade Restrictiveness Benchmarks*, Unpublished Manuscript, World Bank, 1994.
2. Anderson, James. E. and Neary, Peter. *Measuring the Restrictiveness of Trade Policy*, World Bank Economic Review, May 1994, 8(1), pp. 151 - 69.
3. Balassa , Bela, *Development Strategies in Semi - industrial Countries*, Oxford: Oxford University Press, 1982.
4. Deininger, Klaus and Squire, Lyn. *Measuring Income Inequality: A New Data Base*, Working Paper, World Bank, 1996.
5. Edwards, Sebastian. *Openness, Trade Liberalization, and Growth in Developing Countries*, Journal of Economic Literature, September 1993, 31(3), pp. 1358 - 93.
6. *Openness, Trade Liberalization and Income Distribution*, Working Paper, National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA, 1997.
7. Fishlow, Albert. *Inequality, Poverty and Growth: Where Do We Stand?* In Michael Bruno and Boris Pleskovic, eds., Annual Bank Conference on Development Economics. Washington, DC: World Bank, 1996, PP. 25-39.
8. Johnson, Bryan and Sheehy, Thomas, eds. 1996 *Index of Economic Freedom*. Washington, DC. Heritage Foundation, 1996.
9. Krueger, Anne. *Foreign Trade Regimes and Economic Development*, Cambridge, MA: Ballinger, 1978.
10. Leamer, Edward. *Measures of Openness*, in R. Baldwin, ed., Trade Policy and empirical analysis . Chicago: University of Chicago Press, 1988.
11. Michaely, Michael; Papageorgiou, Demetris and Choksi, Armeane, eds. *Liberalizing Foreign Trade*. Oxford: Blackwell, 1991.

12. Pritchett, Lant. *Measuring Outward Orientation in Developing Countries: Can It Be Done?* Unpublished Manuscript, World Bank, 1991.
13. Pritchett, Lant and Sethi, Geeta. *Tariff Rates, Tariff Revenue and Tariff Reform: Some New Facts*, World Bank Economic Review, January 1994, 8(1), PP. 1-16.
14. Sachs, Jeffrey and Warner, Andrew. *Economic Reform and the Process of Global Integration*, Brookings Papers on Economic Activity, 1995, (1), PP. 1-118.
15. Wolf, Holger. *Trade Orientation: Measurement and Consequences*, Estudios de Economia, June 1993, 20 (3), pp. 51-86.
16. World Bank. *World Development Report, 1987*, Oxford: Oxford University Press, 1987.